

حکم بمحروریت از همه یا بعض حقوق اجتماعی میدهد چنانکه ملاحظه میشود فقط در يك اثر مختصری از میان همه آثار محکومیت آنها با اینهمه تشریف و دخالت دادن دیوان کشور در امر ماهیتی و اصدار حکم کیفری بیان حکم شده و آنچه من میدانم در قانون دیگری چنین رویه اتخاذ نشده و بنظر من ترجیح خواهد داشت که بجای این ماده يك ماده دیگر مشتمل بر رسمیت دادن به حکم کیفری صادر از کشور بیگانه تنظیم شود و می توان باین صورت تنظیم کرد:

ماده ۹ - هر گاه کسی که در خاک ایران است چه ایرانی و چه بیگانه در کشور دیگری که با ایران معاهده استرداد بزهکار دارد برای عملی که در قوانین ایران هم بزه شمرده شده بحکم قطعی محکوم و کیفر اصلی در باره اش اجرا شده باشد و مورد تجدید دادرسی نباشد دادگاههای کیفری ایران میتوانند بتقاضای دادستان که از وزارت دادگستری با و اجازه این امر داده شده باشد برای آثار کیفری و بتقاضای ذی نفع برای آثار مدنی بآن حکم رسمیت دهند.

پس از آنکه این ماده در قانون کیفر عمومی گذاشته شد در آیین دادرسی کیفری تفصیلاً و خصوصیات امر در مقام عمل پیش بینی خواهد شد نظیر آنچه در سایر قوانین ملل عمل شده.

حسن مشکان - طبیبی

برای اداره سجل جزایی مربوط میفرستند ثابت شود. اگر در حکمی که به موجب آن حکم خارج تصدیق میشود آثار قابل ترتیب ذکر نشده باشد بعداً همان دادگاه بصورت فرار تعیین میکند مگر آنکه اثر عبارت از مقررات تأمینیه باشد که درین صورت قاضی ناظر اجرا بتقاضای دادستان شهرستان آنرا معین خواهد کرد.

۶۷۵ - مقررات مدنی حکم کیفری صادر از خارج کشور که مشتمل بر رد عینی یا جبران خسارتی باشد پس از آنکه حکم مورد تصدیق شد در داخل کشور قابل اجرا میشود و امر با اجرا ممکن است در همان حکم که از دادگاه استان بتقاضای ذی نفع صادر میشود قید شود و در سایر موارد ذی نفع بدادگاه استانی که در حوزه آن میخواهد ترتیب اثر بحکم جزائی داده شود مراجعه میکند.

این بود مواد آیین دادرسی کیفری برای اینکه معلوم شود در مقام عمل چه میکنند و درین لایحه این قسمت پیش بینی نشده مگر همین مقدار که در ماده ۹ مذکور است و خلاصه اش این است که ایرانی پس از آنکه در خارج کشور بحکم قطعی محکوم شده و حکم در باره اش اجرا شده بایران برگردد و آن محکومیت بحکم هر دو قانون مستلزم محرومیت از همه یا بعض حقوق اجتماعی باشد که درین صورت دادستان دیوان کشور از دیوان مزبور بتقاضای صدور حکم میکند و آن دیوان

تعاقد در وقت مشکوک

۱- عقودی که متوقف قبل از صدور حکم توقف

انجام میدهد

بموجب ماده ۴۲۶ قانون تجارت « هر گاه تاجر

بعد از توقف معاملات ذیلرا نماید باطل است.

۱- هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال

بطوریکه در شماره پیش گفتیم طبق تعریفی که قانون مدنی بلسرّیک نموده امارات قانونی اماراتی است که با بعضی از عقود یا اعمال ارتباط داشته باشد و از جمله آنها عقودی است که تنها وقوع آن باحالت کذائی سبب بطلان عقد در نظر قانون شناخته شده است. اینک بطور اختصار بتوضیح این قسمت می پردازیم:

بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول باشد یا غیر منقول
۲- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله
که بعمل آمده باشد.

۳- هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول
تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود. « تاجر
متوقف که هنوز حکم توقف او اعلام نشده گاهی بمنظور
تقویت حق بعضی از طلبکاران در اموال خود تصرفاتی
میکند مثل اینکه اموال منقول یا غیر منقول خود را
بدیگری انتقال می دهد و یا طلب یک یا چند نفر از طلب
کاران را پرداخت میکند این قبیل اعمال که در مواقع
عادی مخالفی با قانون ندارد چون در وقت مشکوک معنی
پس از تاریخی که از طرف دادگاه تاریخ توقف او اعلام
شده انجام یافته است از این جهت لغو و باطل شناخته
میشود. قانونگذار در این مورد فرض میکند که تاجر
متوقف از این قبیل اعمال و معاملات قصد اضرار بغير و
تقویت حق طلب کاران خود را داشته است اماره
نامبرده در نظر مقنن باندازه قوی بوده که اجازه
هیچ قسم دفاع و ابراز دلیل عکسی را نداده و بمحض وجود
این فرض و اماره بطلان معاملات مذکور را با حکم قطعی
و ثبوتی اعلام داشته است. منشاء این اماره قانونی مشاهدات
اجتماعی می باشد. زیرا از تاجری که همیشه مراقب
کارهای بازرگانی خود میباشد و واردات و صادرات
روزانه خود را مورد مذاقه کامل قرار میدهد مستبعد است
که در تاریخ توقف از قروض و دارائی خود بی اطلاع
باشد و از روی عدم وقوف و معرفت معاملات نابهنگام و
بخششهای بی تناسب که مستلزم تقویت حق طلبکاران میباشد
بعمل آورد پس تردیدی نیست که منشاء و مبنای معاملات
نامبرده سوء نیت و قصد تقویت حق تاجر ورشکسته بوده
زیرا عاده این قبیل اعمال از مختصات ایام وسعت می
باشد نه موقع تنگدستی که طلب کاران از هر طرف
مدیون را احاطه نموده و باصرار هر چه تمام طلب خود را
مطالبه میکنند.

۲- تصرفات مریض

تصرفات مریض در مال خود ممکن است مشروط و

معلق بوفات باشد که وصیت نامیده میشود (۱) و در صورتی
که زاید بر ثلث باشد نافذ نیست. (ماده ۸۴۳ قانون مدنی)
و ممکن است منجز باشد مثل اینکه دالی را به کمتر از
ثلث بفروشد و یا بیشتر از آنها بخرد و یا اینکه مریض
بقصد اضرار ورثه اقراری بر نفع غیر بکند. جلوگیری
شارع اسلام از این قبیل کارها نه از نظر این است که
تصرف کننده بواسطه مرض اهلیت تعاقب را نداشته بلکه
از این جهت است که مورث در حین مرض بدون سبب
یک یا چند نفر از وراث خود را می خواهد از حق الارث
محروم نماید (۲)

اماره که در این مسئله هست اماره قانونی میباشد
که در نتیجه آن وصیت زاید بر ثلث غیر نافذ و دفاع و
دلیل عکسی نسبت بآن قبول نمیشود. هر چند در قانون
فرانسه و بلژیک نظیر این اماره بنظر نگارنده نرسیده ولی
بمدلول ماده ۹۱۸ قانون مدنی فرانسه خالی از مشابهت باین
موضوع نیست ماده نامبرده مقرر میدارد: اموال منقول یا غیر
منقول که مورث بهر عنوان تبرعاً یکی از وراث اصلی یا
فرعی خود میدهد بشرط اینکه وارث نیز خرج زندگی او را

(۱) راجع بوصیت که در مقاله دیگر مفصلاً از آن بحث
خواهیم نمود چند آیه در قرآن مجید هست و هیچ یک
از این آیات دلالتی بر عدم نفوذ وصیت زائد بر ثلث را
ندارد ولی اخبار معتبری که در دست هست حاکی است از
این که پیشوایان دین از وصیت زاید بر ثلث نهی فرمودند
و از این جهت است که فقها نیز بر عدم نفوذ آن فتوی
داده اند مگر در موردیکه ورثه اجازه داده باشد.

(۲) مرحوم علامه در تذکره می گوید: «در صورتی
که تر که از دارائی شخصی وارث کمتر باشد وصیت بغير
مستحسن نیست زیرا منظور شارع از «ان ترك خیرا»
« رجوع بسوره بقره » این است که هرگاه شخص مسلم
بازماندگان غنی و بی احتیاج از خود باقی بگذارد
بهرتر است از اینکه اقارب محتاج و فقیر از وی یادگار
بماند و عوا و بخشش بنزدیکان بهتر از بخشش با جانب میباشد
و در صورتیکه تر که از دارائی وارث کمتر باشد بمنزله عطیه
ایست و اعطای آن بورثه اولی است از اینکه بغير داده شود.»

a' l' un des successibles en ligne directe, sera imputée sur la portion disponible de l' excédent, s' il y en a, sera rapporté à la masse. gette imputation et ce rapport ne pourront être demandés par ceux des au' res successibles en ligne directe qui auraient consenti à ces alienations, ni, dans aucun cas, par les successibles en ligne collatérale.

در قوانین بلژیک و فرانسه انواع دیگر از امارات هست که با احوال شخصیه این در ملت ارتباط دارد مثل اینکه طبق ماده ۹۱۱ قانون مدنی بلژیک متبذ در صورتی که فاقد اهلیت برای هب باشد عقد باطل است.

مادام الحیاة بدهد یا بشرط منفعت بطور کلی یا اینکه منفعتی تحت عنوان سرمایه مفقود (۱) برای او منظور شود نسبت بمقداری صحیح است که تبرع بآن جایز می باشد و مازاد اگر باشد بطریق عدل بورثه اصلی یا فرعی بر میگردد ولی وارثی که معامله را اجاره نموده باشد نمیتواند سهم خود را از مازاد مطالبه کند و اما وراث حواشی در هیچ صورت مازاد از نصاب را نمی توانند بخواهند.

Art. 918. la valeur en pleine propriété des biens aliénés, soit à charge de rente viagère, soit à fonds perdu, ou avec réserve d' usufruit,

می تواند استفاده کند و بعد از فوت او ورثه هیچ نوع حقی در آن ندارند و از این جهت است موسوم شده به «نقل و انتقال سرمایه مفقود» یعنی ورثه مقداری از حق الارث خود را مفقود کرده اند رجوع شود بمفصله ۹۵۹ جلد سوم Précis de droit civil تألیف Paulgayot و جدت

(۱) رفاعد بك و عبدالله بك مصری عبارت Aliénation à fonds perdu را به « انتقال بدون شرط » ترجمه نموده اند و بعض دیگر از محققین کشور نامبرده همین ترجمه را پذیرفته اند ولی بنظر ما این تعبیر ناشی از اشتباه می باشد زیرا بطوریکه شرح فرانسه می نویسند این انتقال حقی است که تنها خود ناقل مادام الحیاة از آن

موضوعات نوین و ابتکارات قانون جدید کیفر همگانی

توجه تقصیر - مسئولیت - مجرمیت

۴

آن توجه مخصوص نموده موضوع تفکیک توجه تقصیر و مسئولیت و بزه کاریست البته دادرسان کار آزموده با صدور دادنامه کیفری متوجه این سه موضوع بوده لیکن چون هر یک نتیجه و علت دیگری است تمیز آنها از هم کار سهلی نبوده و همانطور که در پیش ذکر شد قانون جدید در نظر گرفته است هر چه بیشتر مطالب روشن تر و ساده تر گفته شود.

موضوع این مقاله در اطراف دو ماده از قانون جدید است یکی ماده ۲۳ که مقرر میدارد: «در جهل بقوانین جزائی از کسی مسموع نیست

در کلیات این لایحه موضوع فعل فاعل در جرائم» «کاملاً از یکدیگر متمایز و رابطه بین آن دو که عبارت» «از سببیت است مورد دقت مخصوص واقع شده» «نسبت به تأثیر قوه فهم و اراده که شرط اساس توجه» «تقصیر است و درجات آنها که در شدت و ضعف مسئولیت» «مؤثر است دقت بیشتری شده است»

منظور نگارنده بحث یکایک مواد قانون مجازات جدید نبوده و همانطوریکه در مقاله پیش ذکر شد مطالب نوین که در طرح این قانون پیش بینی شده مورد دقت واقع میشود یکی از قسمتهای مهمی که قانون جدید به

ویک دیگر ماده مهم ۳۶ است که مقرر میدارد «هیچکس را نمیتوان برای عملی که قانون برای آن مجازات قرار داده مجازات کرد مگر آنکه اولاً بین عمل مرتکب و نتیجه قابل مجازات رابطه سببیت موجود باشد ثانیاً علاوه بر فهم و اراده قصد نتیجه نیز داشته باشد مگر در جرائم غیر عمدی شبه عمد که قانون قصد نتیجه را لازم ندانسته و نیز در خلاف قصد نتیجه بطور کلی شرط نیست»

قبل از آنکه وارد بحث در این دو ماده شویم از نظر عبارت ماده ۲۳ قابل انتقاد است ذکر کلمه «جزائی» در این ماده نه تنها بی مورد میباشد بلکه تولید اشکالاتی خواهد نمود چه بطور کلی عذر جهل بقانون از کسی مسموع نیست - اعم از اینکه قانون مربوط به امور حقوقی و یا جزائی باشد چون راجع بامور حقوق با اطلاع این جانب چنین ماده که عذر جهل بقوانین حقوق از کسی مسموع نباشد وجود ندارد مفهوم مخالف ماده ۲۳ طرح قانون جدید این است که در امور حقوقی ممکن است متوسل به جهل قانون شد و از طرف دیگر نباید فراموش نمود که بیشتر قوانین جزائی ضمانت اجرائیه مقررات و قوانین حقوقی میباشند بالاخره با توجه تعریف قانون که مقررات کلی و آمرانه است که پس از اجراء تشریفات لازمه اطاعتش بر هر فرد واجب است قید «جزائی» در ماده ۲۳ بهتر است حذف شده و ماده اینطور نوشته شود (عذر جهل بقانون از کسی مسموع نیست) با این کیفیت یکی از اصول مهمه قضائی در قانون مجازات ایران جای خواهد گرفت مدلول و مواد اجراء ماده فوق در جای خود شرح داده خواهد شد اینک نظری به توجه تقصیر و مسئولیت و مجرمیت

بارتکاب گناه چند موضوع مورد رسیدگی و بررسی دادرس قرار میگیرد.

۱ - مجرم کیست؟ تهدید قانونی برای جلوگیری از ارتکاب گناه و نظم جامعه و واگیر چه کسی میشود بزهدکار شخص است یا حیوان یا شیشی یا اجتماع و غیره

بمبارت ساده تری باید دید گناه مرتکبه را بحساب چه کسی باید گذاشت.

۲ - قانون کیفری از کی حمایت میکند - آیا شخص مورد حمایت است یا جامعه یا هر دو

۳ - در چه شرایطی مرتکب مسئول است

این سه موضوعیست که با توجه بمواد جدید قانون کیفر همگانی مورد دقت واقع میشوند - میدانیم که طبق ماده ۱۳ طرح قانون جدید جرم عملی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است و عمل اعم است از فعل و ترک - یعنی در واقع عمل یا خودداری از اجراء کاریست که موجب تغییر یا تحولات خارجی شده و سبب این عمل کسی است که دادنامه کیفری او را بزهدکار معرفی میکند اینک در بالا گفته شد آیا مجرم شخص است یا حیوان یا شیشی یا اجتماع اشاره یزمانی بوده که حیوانات و اشیاء نیز مورد مجازات واقع می گشتند که شرح تاریخی آن از موضوع گفتار ما خارج است - امروز علت برقراری قانون کیفر کشورهای متمدن انتقام و تلافی نیست تنبه و تربیت بزهدکار و حفظ جامعه از خطر اشخاص غیر عادی و تبه کار علت غائی قوانین کیفری است فقط افراد انسان قابل مجازات میباشند چه تنها فرد بشر است که دارای هوش و فهم و اراده بوده و از همین نظر مسئول خبط و خطا و تقصیر خود است از همین جانتیجه میگیریم که اگر فرد فاقد این صفات شد یعنی دارای هوش و فهم و اراده نبود مانند حیوانات و اشیاء سزاوار کیفر نبوده و مسئول اعمال خود نمی باشند

قسمت یکم ماده ۳۶ ناظر بموضوع مهمی است که توجه تقصیر باشد برای اینکه جرمی را بحساب کسی بگذاریم باید اولاً بین عمل مرتکب و نتیجه قابل مجازات رابطه سببیت موجود باشد.

از نظر جزائی مانند حقوقی وقتی فرد مسئول اعمال خود است که نتیجه حاصله از عمل او متوجه شخص بزهدکار باشد بنابراین توجه تقصیر شرط اول و اصلی

مسئولیت است و با احراز توجه تقصیر و مساویت مجرمیت حاصل میشود.

۱ - توجه تقصیر

وقتی میگوئیم جرمی مثلاً سرقت یا قتل یا جرح متوجه بشخص است منظور این است که رابطه سبب بین جرم و بزهدکار وجود دارد کسی که مال غیر را بدون رضایت او میرباید سبب این تغییر در زندگی مادی و خارجی شده و تقصیر متوجه اوست یا آنکه وقتی راننده عابری را بزیر ماشین خود میگیرد در نتیجه قتل یا جرحی واقع میشود سبب این تحول در زندگی مصدوم شخص راننده است چنانچه بی احتیاطی یا بی مبالائی کرده باشد و حال آنکه در همین مثال اگر مصدوم شخصا خود را بزیر ماشین راننده پرتاب کند یا اینکه دیگری او را به خطر بیاندازد سبب وقوع عمل راننده نبوده و تغییراتی که در محیط خارجی رخ داده متوجه راننده نخواهد بود یکی از قسمتهای مهم دادرسی که در عین حال فوق العاده دقیق و قابل تعمق است همین موضوع توجه تقصیر است.

۲ - مسئولیت

نتیجه مستقیم توجه تقصیر مسئولیت است یعنی توجه تقصیر شرط قبلی این مسئولیت میباشد قانون - جدید در فصل دوم کتاب اول شرایط مسئولیت را بیان میکند و در طی ماده ۳۶ مقرر میدارد «علاوه بر فهم و اراده مجرم باید قصد نتیجه نیز داشته باشد مگر در جرائم غیر عمد و ...»

بنظر نگارنده قصد نتیجه در این ماده بیان منظور رانمی کند چه قانون در ماده ۱۵ انواع جرائم را ذکر کرده و با استثنائی که در ماده ۳۶ ذکر شده فقط جرم عمد باقی میماند و شرط احراز عمد بودن جرم قصد نتیجه است که در ماده ۱۵ بیان اشاره شده مورد دیگری برای اینقسمت ماده باقی نیست منظور ماده همان است که در اصطلاح دادگاه بسوء نیت تعبیر شده و ماده ۱۵ بعبارت مفصل ترو ساده تری بیان میدارد:

« مجرم حین ارتکاب نتیجه حاصل از عمل خود

را که قانون برای آن نتیجه مجازات مقرر کرده در نظر گرفت» در هر حال برای احراز مسئولیت فقط توجه تقصیر کافی نبوده بلکه احراز مسئولیت لازم است چنانچه مسئولیت بدون توجه تقصیر قابل تصور نیست توجه تقصیر بدون مسئولیت ممکن است مثلاً مجنونیکه مرتکب گناه میشود گرچه تقصیر متوجه اوست لیکن بعلمت جنون مسئولیت در بین نیست یا در همین قسمت که علاوه بر فهم و اراده قانون آشنائی مرتکب را نتیجه حاصله از عمل خود شرط دانسته سبب میشود بنائی که بدستور صاحب کار دیواری را خراب میکند و حال آنکه دیوار مال غیر بوده گرچه مسبب تخریب بشخص بناء است لیکن تقصیر متوجه اوست چه با داشتن فهم و اراده کارگر قصد نتیجه که تخریب ملک دیگری بوده نداشته است

۳ - مجرمیت

بنابر این کافی نیست گفته شود فلان شخص مرتکب جرم شده و از این لحاظ مسئول است بلکه نتیجه حاصله از گناه وقتی قابل کیفر است که شخص را از نظر جزائی بزهدکار بتوان دانست که همان موضوع اراده و فهم و خواستن نتیجه مطلوبه است

توجه تقصیر و مسئولیت و مجرمیت در نتیجه يك تکامل تدریجی و بطئی در قانون کیفری پیدا شده و هر کدام جای خود را در نظر دادرسی جزائی استوار نمودند کم کم مسئولیت موضوعی یعنی فقط توجه بت نتیجه فعل صرف نظر از علت و جنبه اخلاقی قضیه از بین رفته و مسئولیت شخصی یعنی توجه به خبط و بزهدکار و شرائط وقوع گناه جانشین او شده است امروز شعار قانون کیفری کشور های متدنه را در اینجمله میتوان گنجانند «غیر مسئول هیچوقت گناهکار نیست» و مقدار کیفر با توجه بکمیت مسئولیت معین میشود که این موضوع بعداً شرح داده خواهد شد. بطور خلاصه اینطور نتیجه میگیریم توجه تقصیر و مسئولیت يك رابطه علت و معلولی با یکدیگر دارند یا بین جرم و مجرم و با بین مجرم و نتایج جرم و دادنامه

نیوده قانون کیفری از این نظر مزاحم است که در شرایط عادی به اندازه کافی پیش بینی نکرده این شخص بی احتیاط است نه تبه کار چنانچه از تمامی اراده خود استفاده میکرد از وقوع حادثه جلوگیری میشد بالاخره قسم سوم از مجرمین ماده ۱۵ در نظر گرفته که آن جرم شبه عمد است که اختلاف در نتیجه حاصله از جرم میباشد مسئولیت و مقررات مواد ۲۴ به بعد در شماره آینده مورد دقت واقع خواهد شد.

دکتر محمد شاهکار

کیفری بطور حتم باید حاوی نکات سه گانه که در بالا ذکر شده باشند

برای اینکه فرد بزهکار در خور کیفر باشد باید مجرم تشخیص داده شده و جزائاً مسئول باشد یکوقت علت مسئولیت اینست که عامل جرم اراده ارتکاب بزدر داشته و نتایج عمل خود را خواسته است و ممکن است علت مسئولیت این باشد که عامل جرم اراده خود را برای جلوگیری از پیش آمد آن گناه بکار نبرده باشد عمل با ترک آنرا مرتکب شده لیکن به نتایج و عواقب او مایل

شرایط تشکیل عقد نکاح

مقایسه بین حقوق ایران و فرانسه و فقه اسلامی

شرایط ضمن العقد

مقدمه و تقسیمات

در مورد شرایطی که میتوان ضمن عقد نکاح پیش بینی نمود ممکن است دو قاعده مختلف را تحت بررسی قرار داد که یکی در حقوق ایران و دیگری در حقوق فرانسه معمول است.

طبق قانون فرانسه کلیه شرایطی که ناظر به تجدید یا تعلیق آثار عقد نکاح باشد باطل است - بعبارت دیگر همینکه تراضی در حضور مأمور آمار و ثبت احوال حاصل شد فوراً کلیه آثار عقد نکاح ایجاد شده و نادم. مرگ احد زوجین و یا انحلال عقد در اثر صدور حکم دادگاه ادامه خواهد داشت - از طرف دیگر چون مطابق قانون فرانسه موارد انحلال عقد نکاح محدود است نمیتوان بدخواه موارد دیگری هم ضمن عقد پیش بینی نمود - پس معلوم گردید که در حقوق فرانسه اصل اینست که تعیین مدت برای نکاح و نیز پیش بینی مواردی برای انحلال آن ممنوع میباشد ولی در حقوق ایران قاعده

دیگری مورد قبول واقع شده.

اصولاً میتوان همه گونه شرطی ضمن عقد نکاح قید نمود مثلاً ممکن است انحلال آنرا در انقضاء مدت معینی پیش بینی کرد «نکاح منقطع» و حتی قید موارد انحلال عقد در غیر صورتی که قانون نگذار منظور کرده مانعی ندارد - پس اصل در نکاح صحت کلیه شرایط ضمن - العقد میباشد و این معنی از ماده ۱۱۹ قانون مدنی ایران استنباط میشود.

ماده نامبرده در عین حال که اصل صحت شرایط ضمن العقد را قبول نموده استثنائی نیز قائل شده که بدان وسیله میتوان شرط صحیح را از شرط فاسد تشخیص داد ضمناً لازم است بر این دو قسم شرط نوع دیگری نیز اضافه نمود که عبارت از شرایط صحیحه ضروری باشد پس شرایط ضمن العقد بر سه نوع است:

۱- شرایط صحیحه اختیاری

۲- شرایط ممنوعه